

عبدالستار منصور

مصاحبه با آقا

مصاحبه از: علی اکبر کمالی نهاد
عضو هیئت تحریریه مجله

●● بخش عمده‌ای از پاسخ این پرسش در پاسخ به سؤال قبلی گفته شد لیکن همهٔ معلمان، به‌ویژه معلم ادبیات، دارای دو ویژگی عمومی و اختصاصی‌اند. از ویژگی‌های عمومی معلم ادبیات باید به توانایی در تدریس، آشنایی با فنون و مهارت‌های تدریس، به‌روز بودن اطلاعات و دانش، شناخت متریان، آشنایی با فنون و مهارت‌های مدیریت کلاس درس، و تسلط بر موضوع تدریس اشاره کرد، اما آنچه معلم ادبیات را از سایر معلمان متمایز می‌کند و باعث می‌شود که کلاس ادبیات بانشاط و جذاب باشد، فن بیان و استفادهٔ معلم از زبان بدن، ریزمهارت‌های مربوط به خواندن متون (بهره‌گیری از حواس ظاهری در پرورش ذهن و زبان، رعایت آهنگ، لحن کلام، تکیه، مکث و درنگ در خوانش متن)، آشنایی با لحن‌های کلام و مهارت‌های نوشتن، استشهادات شعری برای تقویت مهارت درک و دریافت دانش‌آموزان در حوزهٔ ارتباط معنایی، حفظ شعر، و برخورداری از دانش کافی در سه قلمرو زبانی، فکری و ادبی است. برای جذابیت کلاس‌های درس، علاوه بر تسلط علمی و قدرت پاسخگویی و مستند

روشن ارائه کنید. یک معلم موفق، ابتدا باید همچون پدر یا مادری موفق باشد تا بتواند ذهن و ضمیر عطشناک دانش‌آموز را برای آنچه در چرخهٔ زندگی به دردش می‌خورد، آماده سازد، برطرف‌کنندهٔ نیازهای روحی و روانی او باشد و افزون بر ساحت ذهن به عواطف، هیجانات، احساسات و همهٔ ساحات وجودی و کنش‌های وی توجه داشته باشد. یک معلم موفق باید دوستی موفق، راهنما و مشاور موفق، یک تسهیل‌کنندهٔ موفق یادگیری، که دارای علم نافع است، هدایتگر، تعالی‌جو و تحول‌آفرینی موفق باشد تا بتواند دانش‌آموزانی پرسشگر، دارای قدرت تفکر و تحلیل، دارای مهارت ارتباطی، اهل رویارویی مسئولانه با تحولات اجتماعی و سیاسی، علاقه‌مند به فراگیری علم و دانش و مسئولیت‌پذیر را تربیت کند. معلم موفق نیک می‌داند که صرفاً عرضه‌کنندهٔ دانش نیست بلکه کلید موفقیت را در یادگیری مداوم می‌داند.

● به نظر شما ویژگی‌های بایستهٔ دبیر ادبیات چیست و ادبیات را چگونه باید تدریس کرد تا کلاس جذاب‌تر و تأثیرگذارتر باشد؟

در این شماره از نشریهٔ رشد، به سراغ عبدالستار منصور، یکی از دبیران پرتلاش زبان و ادبیات فارسی استان ایلام و دبیر انجمن علمی-آموزشی معلمان زبان و ادبیات فارسی این استان رفته‌ایم. او با حدود ۳۵ سال تجربهٔ موفق و مؤثر در سمت‌های اداری و آموزشی و بیش از دو دهه فعالیت در انجمن‌های علمی معلمان ادبیات، از اعضای شورای اجرایی اتحادیهٔ انجمن‌های علمی معلمان ادبیات کشور نیز هست. گزارش این نشست صمیمانه و گفت‌و‌گو با ایشان در ادامه آمده است.

● لطفاً تعریف خود را از معلم موفق بیان کنید.

●● با توجه به ماهیت هنر معلمی، یکی از دشوارترین کارها دادن تعریفی از این هنر است. بیراه نیست اگر بگوییم معلمی از مصادیق «بدرک و لا یوصف» است؛ به نظر من، باید معلم باشید تا بتوانید از این مفهوم بدرک درستی داشته باشید و از آن تصویری

و مستدل حرف زدن معلم ادبیات، باید طنین صدای او، نگاه، رفتار و گفتارش چنان موجی از شادی در کلاس بیافریند که دانش‌آموزان برای حضور در این جشن و سرور جاودانه و جادوانه لحظه‌شماری کنند. باید گفت شادابی و نشاط و گیرایی کلاس ادبیات مرهون اعتماد و خوش‌گمانی، احترام متقابل، مشارکت در پرسش و پاسخ، طنین صدا و گام‌های معلم و رعایت محدودیت زمان آموزش و در نظر گرفتن روحیات مخاطبان و فن کلاس‌داری اوست. جذابیت و شادی‌آفرینی معلم ادبیات در این است که وقتی می‌گوید و می‌خواند:

جوجه کوچک پرستو گفت:

کاش با باد رهسپار شوم

تا افق‌های دور کوچ کنم

باز پیغمبر بهمار شوم

به همراه دانش‌آموزانش نیز چون آن جوجه کوچک با باد رهسپار شود و تا افق‌های دور کوچ کند و باز، پرزنان برگردد و نوید آمدن بهار را بدهد.

در بسیاری از نظام‌های آموزشی موفق دنیا برای تحقق جذابیت و نشاط در کلاس‌های درس، موضوعات و سرفصل‌های جالبی مثل شادی، اکتشاف، ارتباطات، خانه‌داری و مشتری‌مداری، جنگل و تحسین طبیعت، بحث و مناظره، هوش مصنوعی، یوگا و علم زندگی تدریس می‌شود.

● شما در تدریس چه روش‌های بدیعی داشته‌اید؟

●● باید دقت کرد که روش‌های تدریس به‌خودی‌خود اصالت ندارند؛ به‌عبارت‌دیگر، هیچ‌یک از روش‌های تدریس فی‌نفسه خوب یا بد نیستند بلکه نحوه و شرایط و مهارت استفاده از آن‌هاست که باعث قوت یا ضعفشان می‌شود. اگر معلمی با همه روش‌های تدریس مبتنی بر نظریه‌های جدید یادگیری آشنا باشد ولی نتواند در جای خود از آن‌ها بهره‌بردارد، داشتن این حد از دانش هیچ کمکی به یادگیری دانش‌آموزانش نخواهد کرد. به نظر من، بهترین روش تدریس روشی است که در آن دانش‌آموز بیشترین سهم عملکردی را داشته باشد و معلم به‌عنوان کارگردان و

صحنه‌پردازی موفق، تسهیل‌کننده فرایند یادگیری در کلاس درس باشد. البته معنای حرفم این نیست که معلم نباید با الگوها و روش‌های تدریس آشنایی داشته باشد؛ زیرا امروزه تأکید نظریه‌های جدید یادگیری بر استفاده از الگوها و روش‌های مشارکتی است که در آن‌ها نقش محوری به دانش‌آموزان داده‌شده است؛ بنابراین، آشنایی با این روش‌ها یک ضرورت است و شخصاً در آموزش نگارش به شیوه بدیعه‌پردازی معتقدم.

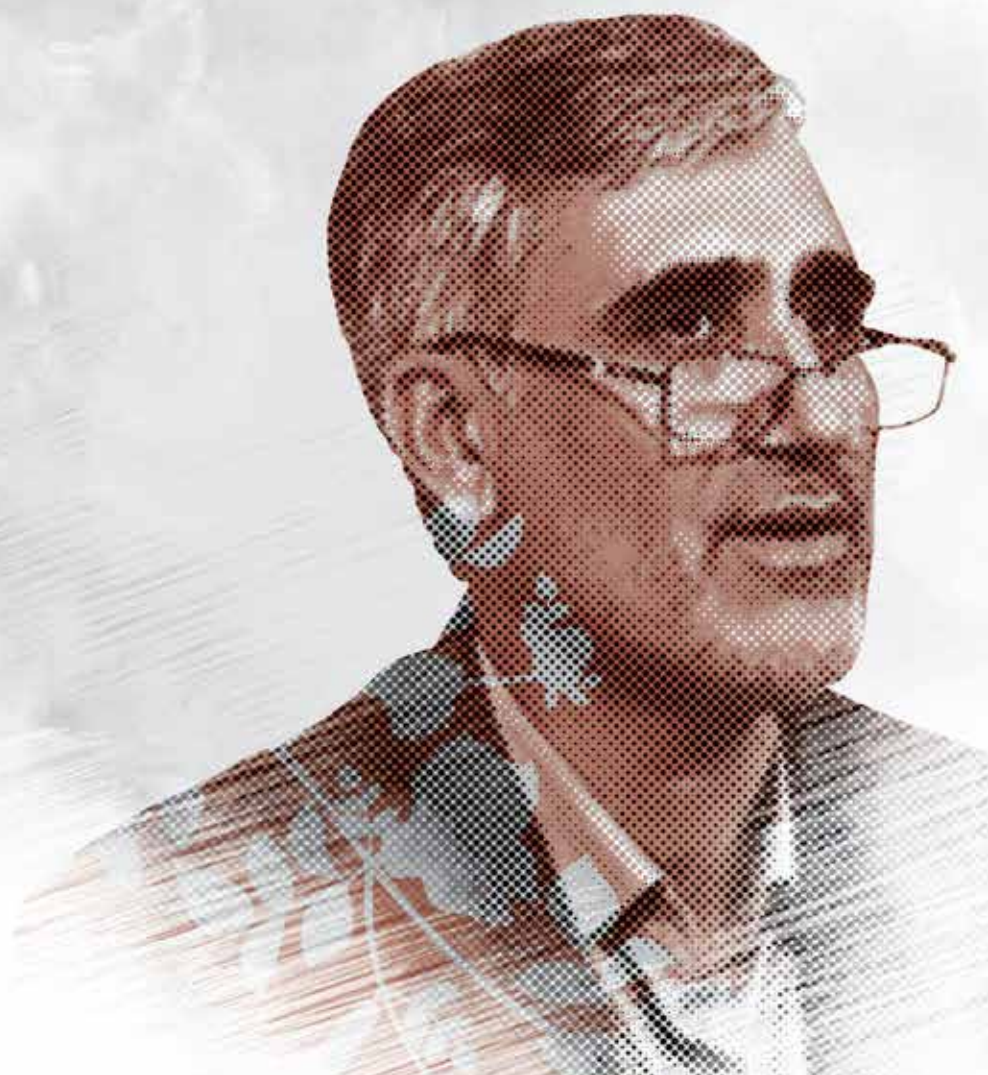
بهترین روش تدریس روشی است که در آن دانش‌آموز بیشترین سهم عملکردی را داشته باشد و معلم به‌عنوان کارگردان و صحنه‌پردازی موفق، تسهیل‌کننده فرایند یادگیری در کلاس درس باشد

بهره‌گیری از عناصر خیالی به دست دهم تا شعله‌های خشم در وجود مخاطبانم زبانه کشد و بیگانه‌ستیزی در روح آنان پرورش یابد. به‌راستی، چه واژه‌هایی مناسب‌تر از چون خورشید، شب، تیر، خون، رود، موج و... برای القای این مفهوم که با بهره‌گیری از درس امواج سند مؤثرتر است؟

پیش از آنکه چیزی بگویم و از درس امواج سند سخنی به میان بیاورم، از بچه‌ها خواستم کاغذ و قلم بردارند و این عبارت را گسترش دهند: «غروب هنگام، خورشید آرام‌آرام در پس کوه‌های سر به فلک کشیده پنهان شد و گویی گردی زعفران‌رنگ بر سر سپاهیان می‌ریخت...»

چه صحنه‌ای شده بود! هر دانش‌آموزی در موجی از واکنش و هم‌حسی از زاویه‌ای به ادامه ماجرا پرداخته بود. یکی از دانش‌آموزانم، که هم‌اکنون در کسوت پزشکی به مردمش خدمت می‌کند، در پیوند این ماجرا به یکی از جنگ‌های صدر اسلام چنین نوشته بود: «... و اما نبرد آغاز می‌شود؛ نبردی میان خون و شمشیر؛ به‌راستی کدام‌یک پیروز است؟ ... حال پایان نبرد و میدانی غرق در خون؛ انگار خورشید از تماشای این صحنه‌ها شرمگین است...» و این بهانه‌ای شد تا در همین زمینه مقاله‌ای با عنوان «دری به خانه خورشید» آن را در یکی از نشریات محلی منتشر کنم.

● مهم‌ترین شاخصه‌ها، محاسن و معایب کتاب‌های درسی را بیان کنید. ●● از آنجا که زبان فارسی از سویی سامان‌دهنده هویت فرهنگی ما و از جانی دیگر، آب‌سخور و درگاه رفتن به دنیای آموزش و یادگیری دیگر علوم و فضایل است، نقش ممتاز تدوین کتاب‌های درسی ادبیات برجسته‌تر به نظر می‌آید. گرچه کتاب‌های درسی در قالب همایش ملی و منطقه‌ای، مقاله، نقد و تجزیه و تحلیل، بارها در بوتۀ نقد قرار گرفته‌اند، به نظرم برحسب قاعده «عیب می‌جمله بگفتی، هنرش نیز بگویی» باید به مهم‌ترین هنر تألیف کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی اشاره کرد و آن، رویکرد خاص مؤلفان مبتنی بر مهارت‌آموزی یا آموزش مهارت‌های زبانی (مهارت‌های



شفاهی و نوشتاری) و مهارت‌های فرازبانی (تفکر، نقد و تحلیل) است.

از دیگر نکات برجسته کتاب‌های درسی، حرکت از زبان به سوی ادبیات و توجه به آموزش و یادگیری نشانه‌های زبانی و غنای بار فرهنگی ادبی آن‌ها متناسب با دوره‌های مختلف تحصیلی و ارتباط ساختاری و محتوایی این کتاب‌ها در مقاطع مختلف تحصیلی است. تکیه بر نظریه‌های جدید یادگیری در تألیف کتاب، فصل‌بندی مناسب کتاب‌ها بر اساس انواع ادبی، توجه به ادبیات بومی و ملل مختلف جهان، تقویت فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی، پژوهش، اندیشه‌ورزی و پرورش تفکر، نقد و تحلیل، تعقیب آگاهانه قلمروهای سه‌گانه زبانی، فکری و ادبی در کتاب‌های فارسی و اهمیت دادن به کتاب نگارش و مهارت‌های تولیدی زبان در دوره‌های متوسطه اول و دوم از دیگر محاسن آن‌هاست.

شاید یکی از نگرانی‌های ما معلمان زبان و ادبیات فارسی این باشد که آیا در ادامه مسیر دانش‌افزایی، استمرار این ویژگی ساختاری و محتوایی کتاب‌های درسی در حوزه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی، به‌ویژه دانشگاه فرهنگیان، حفظ خواهد شد؟

● نظر شما دربارهٔ مجلهٔ رشد زبان و ادب فارسی چیست؟

● بی‌شک یکی از نشریات علمی و وزینتی که توانسته است بسیاری از نیازهای معلمان این رشته را برطرف سازد، مجلهٔ رشد زبان و ادب فارسی است. طرح مشکلات کتاب‌های درسی، نقدهای ساختاری و محتوایی آن‌ها، آموزش شیوه‌ها و مهارت‌های نوین تدریس، و پرداختن به نکات مهم و کلیدی که ممکن است محل اختلاف نظر باشند، از مهم‌ترین محاسن این مجله است. نکتهٔ بارز در شیوهٔ کار هیئت تحریریهٔ این مجلهٔ علمی این است که حاشیه‌های سیاسی و اجتماعی جاری نتوانسته بر هدف اصلی تدوین آن سایه بیفکند و بر همین اساس، تا امروز به‌خوبی ماهیت آموزشی و تحلیلی و اطلاع‌رسانی خود را حفظ کرده است.

● یکی از آثار شاخص خود را معرفی کنید.

● نظر به اهمیت تدوین یافته‌های علمی و آموزشی، مقالات مختلفی در نشریات داخلی و محلی از من به چاپ رسیده و در زمینهٔ تولید محتوای الکترونیکی، در قالب مقالاتی نظیر «عوامل انسجام در زبان فارسی» و «کنایه، هم‌سنگ سایر عناصر زیبایی سخن»، محتواهایی را تولید کرده‌ام. از این‌گونه مقالات نیز می‌توان به «پیشینهٔ تاریخی کعبه و انعکاس آن در ادب فارسی» و «حسنک در دو روایت عطار و بیهقی» اشاره کرد.

● الگوی شما در تدریس چه کسی، با چه ویژگی‌هایی بوده است؟

● حدود سی‌وهفت سال پیش در یکی از دورافتاده‌ترین نقاط این سرزمین

پهناور، جوانی خوش‌سیما و خوش‌صدا که هر بار با خواندن «با نواى کاروان / بار بندید هم‌رهان...» او دل‌ها از زمین کنده می‌شد و فوج فوج عاشقان راهی مرزهای شرف و غیرت می‌شدند، انسانی نیک‌سیرت، بصیر، امین، هدایتگر، مهربان و دلسوز، انقلابی و آینده‌نگر، ریزبین و نکته‌سنج، که تدریس چند درس از جمله اقتصاد را به عهده داشت، نهال نوپای عشق به معلمی را در ضمیرم کاشت. در حقیقت، او همان پیر و مرادی بود که نه تنها بر من، بلکه بر همهٔ هم‌کلاسی‌هایم برای همیشه تأثیرات عمیقی گذاشت. آن پیر فرهیخته-عباسعلی یوسفی- از سرزمین آبشارهای جاری، دروازهٔ مازندران بود. خدایش به سلامت دارد و همچنان به‌عنوان راه‌بلد عاشقان کوی حسین (ع) پرنرزی باد، که به‌حق بایستهٔ چنین کاری است.